

عشایر کرد

۱- طوایف سنجابی

بقلم آقای محمد مگری

- ۶ -

بطور کلی تیره‌های مختلف سنجابی عبارتند از :

۱- تیره چالاولی ، ۲- تیره الهی خانی ، ۳- تیره عباسوند ، ۴- تیره خرده
دسته ، ۵- تیره دولت‌مند دستجه ، ۶- تیره دارخور ، ۷- تیره دالیان ،
تیره‌هایی که بتدریج از بین رفته یا فقط چند خانوار متفرق از آنها باقی مانده‌اند
عبارتند از تیره‌های :

۸- رهبر وند ، ۹- وتکه وند ، ۱۰- بیوه جشینیان ، ۱۱- مجریلان ،

هر يك از تیره‌های مذکور بچندین شاخه و دسته و خانواده تقسیم میشوند و ما
در اینجا ذیلاً بشرح آنها میپردازیم :

۱- تیره چالاولی

چالاولی یا باصطلاح فارسی چالابی منسوب به چال آب است و گویند چون در
آغاز این تیره در چالابکر بیوه نیج که از مناطق ایل گوران در شمال کرد است ،
ساکن شده‌اند و بعد بدین نواحی آمده‌اند آنها را بنام قبیلشان چالاولی یا چالابی بمعنی
ساکنین چالابکر نامیده‌اند و بعضی دیگر این نام را مأخوذ از چلی که تیره‌ایست
از قشقای دانسته‌اند .

از نخستین کسانی از رؤسای این تیره که اطلاعاتی در دست است دو برادر بنام

منوچهر والله یارند بعدها از این دو برادر دوتیره الهی خانی منسوب به الله یار و چالای از پسران و اخلاف منوچهر تشکیل میشود .

منوچهر دارای سه فرزند بنام شیخله (= شیخ علی) و ذوالفقار و خویله (= خوب یار) بوده است پسران شیخله برخوردار و بختیار و پسران ذوالفقار ، خدا مروت و خدا رحیم بوده اند و پسر خویله ، ابراهیم آقا نام داشته است .

بروایت دیگر از اولین کسی از این تیره که اطلاعی در دست است شیخله (= شیخ علی) کدخدا بوده است که سه پسر داشته است بنام مراد علی (که پس از پدر کدخدا و ریش سفید شده) و هروشه و علی زمان .

مراد علی جد خوانین تیره چالای دارای فرزندی بوده بنام منوچهر که او نیز دو پسر داشته است بنام بختیار و برخوردار ، و طوایف برخوردار و بختیار از اولاد این دو پسرند .

هروشه (= خرگوشه) جد تیره الهی خانی است و علی زمان پسر او داشته بنام خویله (= خوب یار) که او نیز دارای پسر بنام ابراهیم آقا بوده است و این ابراهیم از اشخاص نامی عشایر کرد عثمانی میشود .

پس از ذکر این اختلاف روایت در باره افراد سرشناس اولی این تیره باید یاد آور شد که مسکن اولی این اشخاص در شیراز بوده و بسبب نامعلومی آنها را بکرمانشاه کوچانده اند . چالای ها ابتدا مدتی در چالابکر بیوه نیج ساکن شده پس از آن رؤسای ایشان بختیار و برخوردار مدتی در کرمانشاه در محله چنانی ساکن شده سپس در نواحی فعلی بامر زراعت مشغول شده اند ، تیره های الهی خانی و چالای خوانین سنجابی و از تیره های بزرگ سنجابی بشمار میروند و عنوان چالای نیز گاهی بر هر دوتیره اطلاق میشود .

خویله و پسرش ابراهیم آقا از همان زمان بحدود سلیمانیه رفته و در آنجا متوطن میشوند (فعلاً از آنها اطلاع صحیحی در دست نیست گویا در زمان صمصام -

المالک بطوریکه میگویند با چالوویها اختلاط و رفت و آمدی هم داشته اند و لسی فعلاً چالوویهای ساکن ایران اطلاع صحیحی از آنها در دست ندارند).

تیره خوانین چالووی بچهار طایفه بختیار و برخوردار و خدا مروت و خدا رحیم تقسیم میشوند. طایفه بختیار فرزندان و اخلاف بختیار و طایفه برخوردار فرزندان و اخلاف برخوردار و طایفه خدا مروت فرزندان خدا مروت و ذوالفقار و طایفه خدا رحیم از اخلاف خدا رحیم پسر ذوالفقار میباشند.

الف - طایفه بختیار: بختیار (بتلفظ محلی قدیم سنجایی بهتیار بکسر باء و تاء) چنانکه قبلاً اشاره شد دارای ملک و زمین نبوده و در املاک دیگران زراعت میکرده است وی دو پسر داشته است بنام حسن خان و ابراهیم خان.

حسن خان بختیار و پسران او

حسن خان درابتداء امر نیز مانند پدر در املاک دیگران بامر زراعت میپرداخته و از رعایای زنکته بشمار میرفته است بعدها چنانکه اشاره شد بر اثر معامله گندی نروتمند میشود و املاکی در حدود فعلی سنجایی میخرد و در عهد حکومت حسام - السلطنه در کرمانشاه، حاکم مستقل سنجایی میشود. حسن خان قریب هشتاد سال زندگانی میکند و محل اقامت او در بیلاق در ده باوان و در فترت اوقات در تنگ آب بوده است پسران وی محمد رحیم خان، آقاخان، خدا مروت خان، خسرو خان و شیر محمد خان بوده اند.

محمد رحیم خان: محمد رحیم خان جوان لایقی بوده است و بنیابت پدر حکومت سنجایی را اداره میکرده است و ضمناً مسافرتی بطهران کرده است. در زمان حیات پدر در سن چهل و پنج سالگی بدست خود سنجاییها مقتول میشود. پسران وی فرج الله خان و کریم خان بوده اند. فرج الله خان پس از فوت پدر چند سال حاکم سنجایی میشود و در سن پنجاه سالگی در سال ۱۳۲۸ قمری هجری در ده باوان که محل اقامت وی بوده است فوت کرده و از وی پسر بنام غلامشاه خان باز مانده

بوده است غلامشاه خان نیز درسی سالگی بدروود حیات گفته و از وی فرزند ذکوری بجای نمانده است. کریم خان در بیست و پنج سالگی در زمان حیات پدر فوت کرده است. آقا خان: آقا خان در زمان حیات پدر در جنگ با میرزا سلیم خان زنکنه رئیس ایل زنکنه در منطقه قشلاق در محل تنگ آب (چنانکه در شرح مجزا شدن سنجایی از ایل زنکنه گفته شد) کشته شده است.



شیرمحمد خان با عده ای از کسانش

خدا مروت خان : خدا مروت خان در زمان خود از مردان مدبر و فهمیده ایل سنجایی و پیشکار آنها در امور شهری و دولتی بوده است. قلعه خدا مروت خان در منطقه شله و زالوب سنجایی که فعلاً جزو املاک و کیل الدوله یالیزی میباشد مرکز اقامت و از مستحدثات و بست به علاوه وی چند قطعه ملک دیگر بنام سیاه سیاه

وقلعه وزالوب وده رش و... داشته است. خدا مروت خان در سال ۱۳۳۳ قمری هجری در شصت و پنج سالگی بدرود حیات گفته و در پسر داشته بنام اللهی خان و محمد علیخان، اللهی خان در جوانی مرده است و محمد علیخان پس از چهل و دو سال زندگانی در سال ۱۳۴۲ قمری هجری فوت کرده، محمد علیخان پسرانی دارد بنام احمد خان و محمود خان و کلبعلی خان و محمد خان.

خسر و خان: خسر و خان در پنجاه و پنج سالگی در سال ۱۳۱۸ هجری قمری در یکی از زد و خورد های سنجاییها با کلهرها در زمان داود خان کلهر با یکی از پسرانش بنام صحبه الله مقتول شده است. شغل وی سرحد داری بوده و در قلعه سبزی واقع در مرز ایران و عراق در حوالی قصر شبرین اقامت داشته و پیوسته از اشرار و متجاوزان جلوگیری میکرده است خانه وی در بیلاق در نیلاوره بوده و دهات نیلاوره و ملکشاه و خیبر متعلق بوی بوده است پسران وی حبیب الله خان و صحبه الله خان و علیخان و اسد الله خان سالار مکرم بوده اند. از ایشان حبیب الله خان درسی و دو سالگی در سال ۱۳۱۶ قمری هجری در زد و خوردی کبه در میان خود سنجاییها واقع شده است بدست حبیب الله خان از طایفه بر خور دار کشته شده و پسر او بنام عزیز الله خان در سال ۱۳۱۶ شمسی در قریه کله تک آباد فوت کرده است از عزیز الله خان دو پسر بنام کریم و کرشاسب بجا مانده است. صحبه الله خان در بیست و دو سالگی چنانکه اشاره شد در سال ۱۳۱۸ قمری هجری با پدرش در جنگ سنجاییها با داود خان کلهر کشته شده است.

علیخان ساکن نیلاوره در بیست و هفت سالگی در سال ۱۳۴۱ قمری هجری فوت کرده و دارای اولادی نبوده است.

اسد الله خان بخیار (سالار مکرم) از مردان مجرب و با اطلاع و محترم فعلی سنجاییست و در حدود شصت سال از عمر وی میگذرد در سن بیست و یکسالگی در زمان حکومت رضا قلیخان نظام السلطنه مافی در کرمانشاه، بطرفداری نظام السلطنه

برضد داود خان کلهر در سال ۱۳۳۹ قمری هجری در ماهیدشت هردو پایش تیرخورده و از آن زمان پای راستش ناقص و لنگ گردیده است وی مردی ادب دوست و کتاب خوان و مطلع و طرف اعتماد و احترام و محبت است و تا کنون چهار بار در سالهای ۱۳۰۶ و ۱۳۱۱ و ۱۳۱۴ و ۱۳۲۵ شمسی از طرف دولت بحکومت سنجایی انتخاب



قاسم خان سردار ناصر سنجایی

گردیده است. وی دارای شش پسر و یازده دختر است پسرانش، جهانگیر، شریف حسن، بختیار، جوانمیر و فریدون میباشند.

مرکز اقامت اسدالله خان قریه نیلاوره است که دارای ساختمان و باغ و بیشه ایست که در ناحیه سنجایی کمتر نظیر دارد و در آنجا نیز حمای برای استفاده

عموم از سالیان پیش احداث کرده است سایر دهات وی ملکشاه، والی آباد، خبیر، کلاوه و میر عزیز میباشد.

شیر محمد خان: شیر محمد خان مصمص الممالک از مردان بسیار نامی سنجایی و در تمام ناحیه غرب بخصوص کرمانشاهان و کردستان دارای شهرتی آمیخته با احترام و محبت فوق العاده است، وی مردی وطن دوست و پاک نهاد و راست کردار و صائب الرأی و دلیر و مردم دار و عاقبت اندیش و مهربان بوده است، امانت و صداقت و تدبیر و پاکدامنی او ضرب المثل است و قصه ها و افسانه هایی که در باره وطنخواهی وی هنوز بر سر زبانهاست انسان را بیاد مرز بانان و مرز داران ساسانی و ایرانیان دلاور چندین قرن پیش می اندازد و حقاً و بدون شائبه میتوان گفت نوع فکر و اندیشه و ساختمان فکری وی و چند تن از فرزندان او عیناً نوع اندیشه و طرز ساختمان فکری ایرانیان سامانی و بویهی و عیاران صفاری است. بیشتر قوت و بنیه و شهرت و شوکت ایل سنجایی از زمان وی و بتوسط وی و پسرانش برای سنجاییها حاصل گردیده است. مرحوم مصمص الممالک در حدود سال ۱۲۶۰ قمری هجری متولد و در سال ۱۳۳۴ قمری هجری متوفی گردیده است پسران وی قاسم خان سردار ناصر و مرحوم علی اکبر خان سردار مقتدر و حسین خان سالار ظفر و بهتیار بوده اند بهتیار (= بختیار) که آخرین فرزند ذکور وی بوده در دوازده سالگی در زمان حیات شیر محمد خان بر اثر گزش مار فوت کرده است.

قاسم خان بختیار سردار ناصر در سال ۱۲۸۸ قمری هجری متولد شده و فعلاً سن وی در حدود ۷۹ سال میباشد وی مردی شجاع و حلیم و خلیق و وطن دوست است و مدت بیست و چهار سال در زمان حیات پدر بنیابت پدر حکومت سنجایی را اداره میکرده است و مرحوم مصمص الممالک خود در قصر شیرین اقامت داشته و برتق و فتح امور آنجا و نواحی مرزی میپرداخته است.

قاسم خان از سال ۱۳۰۹ شمسی ببعد از طرف دولت بطهران احضار و املاک

وی از طرف دولت تصرف شد و بجای آن در قزوین ملك و علاقهای بوی و اگذار گردید و از آن تاریخ تا کنون در قزوین و طهران زندگانی میکند پسرانش سلیمان خان سالار مقتدر و مرحوم علی اشرف خان و دکتر کریم خان و اصغر خان میباشند. سلیمان خان سالار مقتدر در سال ۱۲۷۵ شمسی متولد شده و فعلاً در حدود پنجاه و دو سال از سن وی میگذرد پسرانش منوچهر و ایرج میباشند.

علی اشرف خان در سال ۱۲۸۰ شمسی متولد و در سال ۱۳۲۵ شمسی در طهران وفات کرده است.

آقای دکتر یم خان بختیار سنجابی در سال ۱۲۸۳ شمسی در قریه قلیچ خانیه سنجابی متولد شده و فعلاً چهل و چهار سال از سن ایشان میگذرد و چون همه ایشان را میشناسند فعلاً از ذکر احوال ایشان در اینجا خود داری میکنیم.

اصغر خان، بختیار پسر چهارم قاسم خان سردار ناصر ساکن قریه قیسه وند در سال ۱۲۸۵ شمسی متولد و فعلاً سن وی چهل و دو سال میباشد. تا کنون چندین بار حاکم و سرپرست طایفه سنجابی شده و امروزه از برجسته ترین افراد طایفه سنجابی است و در میان عشایر غرب بلیاقت و شجاعت مشهور است.

اصغر خان فعلاً در محل رئیس و مرجع کلیه امور سنجابیت و در امور دولتی و عشایری فرد شایسته و هوشمند است دارای دو پسر خردسال بنام فرخ و فرود است املاکی در دهات باوان و عباس آباد و دایار و سبز بلاغ و قیسه وند دارد.

علی اکبر خان سردار مقتدر پسر دوم شیر محمد خان صمصام الممالک مشهور ترین فرد از رؤساء و خوانین سنجابی و از نامی ترین سرداران وطن پرست و آزادیخواه ایران است. مرحوم سردار مقتدر در تمام صفحه غرب و در میان تمام محافل آزادیخواه بشجاعت و تهور و عشق خالص بوطن و فداکاری در راه آزادی ایران و مهمان نوازی معروف و در دوران جنگ بین الملل اول (۱۹۱۴ - ۱۹۱۸) مشارالیه مؤثرترین فرد ایرانی در صفحه غرب و مرجع حل و عقد امور سیاسی و نظامی بود. تجلیلات و

احترامات وی نسبت بمهاجرین و آزادیخواهان و مهمانیهای بزرگ و چندین هزار نفری وی در دشت ماهیدشت هنوز از نظرها و خاطرها فراموش نگردیده است. وی در راه دفاع از وطن با تمام قوای خارجی و مهاجم بایران اعم از عثمانی و روسی و انگلیسی جنگید و چندین بار مجروح شد در سال ۱۳۳۶ قمری که طایفه سنجایی در



قاسم خان سنجایی (شراول سمت چپ)

نتیجه حمله قوای انگلیسی ها مغلوب و پراکنده شدند باتفاق برادر خود سالار ظفر و برادر زاده اش سلیمان خان سالار مقتدر وعده قریب بیسصد و پنجاه سوار سنجایی بکردستان عثمانی مهاجرت کرد و تا موصل که قوای عثمانی عقب نشینی میکرد بهمراه علی احسان پاشا سردار نامی ترک بود و از آنجا همراهان خود را اجازه مراجعت

در موصل سرداران سنجایی مورد سوء ظن عثمانی واقع شده و توقیف گ-ردیدند سرداران سنجایی در ضمن عقب نشینی عثمانیها از توقیفگاه گریخته و از شمال کردستان و جنوب آذربایجان بایران مراجعت نمودند و در هنگام ریاست وزرایی ونوق الدوله وارد طهران شدند قریب سه سال در طهران تحت نظر بودند پس از آن در اوائل زمامداری مرحوم شاه سابق آزاد شده و باتفاق سالار ظفر بخان سنجایی مراجعت میکند و در سال ۱۳۰۲ شمسی در زمان امارت لشکر آقای سپهد احمدی قریب مدت سه سال در قلعه کهنه همدان زندانی میشوند و در رسیدن سلطنت برضا شاه آزاد شده هر دو برادر در طهران مقیم میشوند و قریب دو سال مجدداً در قصر قاجار زندانی سپس تا آخر عمر در طهران تحت نظر بوده است تا آنکه در خرداد ماه سال ۱۳۱۴ شمسی در طهران مرحوم شده و در ابن بابویه مدفون میشود .

علی اکبر خان دوپسر بنام اردشیر و بهمن داشته است اردشیر در طفولیت فوت کرده و بهمن فعلاً در طهران محصل است و نیز از وی یکدختر که مادر وی خواهر اسدالله خان سالار مکرم است بنام پروین خانم بجا مانده است که فعلاً در حدود بیست و دو سال سن دارد و همسر بنی عم خود محمد خان بختیار سنجایی پسر حسین خان سالار ظفر میباشد

حسین خان سالار ظفر سومین پسر شیر محمد خان مصمص الممالک که فعلاً گویا در حدود ۵۷ سال دارد مدتهاست که بروسیه رفته و از وی کوچکترین اطلاع و خبری در دست نیست وی نیز مردی شجاع و با احساسات و آزادیخواه بوده بابرادرش مرحوم سردار مقتدر در کلیه اقدامات و خدمات شرکت داشته است .

چون در زمان سلطنت شاه سابق مفضوب واقع شده بود از سال ۱۳۰۹ از ایران گریخته و بروسیه مهاجرت کرده است حسین خان دارای یک پسر بنام محمد خان و یکدختر بنام جمال خانم است که همسر پسر عم خود اصغر خان بختیار سنجایی است . محمد خان بختیار سنجایی پسر حسین خان سالار ظفر در سال ۱۲۹۰ شمسی

متولد و فعلاً سن وی سی و هفت سال است. وی جوانیست میانه بالا و درشت استخوان و پهن شانه و ورزیده و مردانه و اخلاقاً بسیار مهربان و ساده و شایسته و موقر و آزاده و جوانمرد و مهمان نواز و در میان عشایر ایران نظیر کم دارد. تمام صفات حسنه عشایری و ایلی باضافه اطلاعات کافی و خوش سلیقگی فکری در این مرد مجتمع است و بر اثر حسن اخلاق و صفای نیت و حسن طوینت و نهاد پاک محبوب و محترم است دیدار و مصاحبت وی انسان را بیاد جوانمردان و عیاران و فتیان ایرانی قرون اولیه اسلامی می اندازد و خواه نغواه انسان را بمحبت و احترام نسبت باو و میدارد.

دهات وی قلیچ خانی و چقا خزان و سرخه بان و قواق تپه و قسمتی از حضره و باوان و عباس آباد است و بتازگی اهلاک دیگری نیز در حدود سنجایی ایتباع کرده است.

ابراهیم خان بختیار و پسران او

ابراهیم خان پسر دوم بختیار ساکن قریه علی حسن دو پسر داشته است بنام عباس خان و فتح الله خان.

عباس خان: عباس خان در سن پنجاه و پنج سالگی در سال ۱۳۴۲ قمری هجری فوت کرده و دارای یک پسر بنام رشید خان بوده است که در قریه علی حسن در سن سی سالگی بدست نوکران خود کشته شده است و از وی یک پسر بنام حیات قلی ابراهیمی باقی است که فعلاً سن وی در حدود چهل و پنج سال است و وی نیز دارای پسر بیست ساله بنام جهان شاه است.

فتح الله خان: فتح الله خان در سال ۱۳۲۲ شمسی در سن هفتاد سالگی بدرود حیات گفته است وی در ابتداء سلطان سنجایی و سپس سرهنگ سنجایی شده است. پسران وی علی پاشا خان و محمد پاشا خان و ناصر پاشا خان و داود پاشا خان بوده اند. علی پاشا خان در سن بیست سالگی در سال ۱۳۱۸ قمری هجری در جنگ سنجاییها با ابل کهر در چقا زرد با خسرو خان پدر اسدالله خان سالار مکرم کشته شده است.

محمد پاشا خان در سن بیست و پنج سالگی در سال ۱۳۳۲ قمری هجری فوت

کرده است و دارای یکدختر است که هنوز حیات دارد .

ناصر پاشا خان ساکن قریه گرگابی فعلاً قریب چهل و پنج سال دارد و دارای سه پسر است .

داود پاشا خان در سن چهل سالگی در سال ۱۳۲۵ شمسی در خانه خود در قریه علی حسن مقتول گردیده است .

ب - طایفه برخوردار - برخوردار خان جد طایفه برخوردار دارای پنج پسر بنام مای خان (= مهدیخان) ، کرم خان ، حیدر خان ، همه خان و رستم خان بوده است .

مای خان (= مهدیخان) برخوردار و پسران او

مای خان یعنی مهدیخان ساکن ده چلبی پسرانی داشته است بنام علی اکبرخان ، صادق خان و اسمعیل خان .

علی اکبرخان : در سال ۱۳۰۲ قمری هجری در سن شصت و پنج سالگی فوت کرده است و مدتی نیز حاکم سنجابی بوده است و رتبه میر پنجمی داشته است دهات چلبی و قواق تپه متعلق بوی بوده است پسرانش حبیب الله خان ، اسدالله خان ، امان الله خان ، شهباز خان و کریم خان بوده اند .

حبیب الله خان مدتی در میان طوایف کلهر متواری بوده و سپس در قریه چلبی

ساکن گردید . در سال ۱۳۱۲ شمسی در سن پنجاه و پنج سالگی فوت کرد و دارای دو پسر بنام حسین خان و عباسخان بود . حسین خان فعلاً قریب چهل و پنج سال دارد و عباسخان در حدود چهل سال و پسرش عسکر در سال ۱۳۲۵ شمسی در زمان حکومت اسدالله خان سالار مکرّم در ضمن استرداد اسلحه بتوسط مأمورین دولت کشته شد .

اسدالله خان ساکن چلبی در سال ۱۳۴۶ قمری هجری در سن پنجاه سالگی فوت

کرده است و چهار پسر از او باز مانده که نام دوتن از آنها اکبرخان و غلامحسین بوده است اکبرخان در سال قبل با پسر عباسخان مقتول گردید و غلامحسین کودکی است

و دو پسر دیگر که نام آنها را نمیدانم قبلاً فوت کرده اند .

شهبازخان ساکن چلبی درسال ۱۳۵۴ قمری هجری درسن چهل و دوسالگی فوت کرده و فرزند ذکوری نداشته است .

کریم خان ساکن چلبی فعلاً درحدود چهل و هشت سال دارد و درسال ۱۳۲۲ شمسی حاکم سنجایی گردیده است و بین او و طایفه بختیار اختلافات جزئی موجود است وی يك پسر بنام شریف دارد که فعلاً بیست و پنج ساله است .

صادق خان : درسال ۱۳۱۱ قمری هجری درسن پنجاه سالگی فوت کرده است و دارای پسری بنام سهراب خان بوده است که بعلمتی بمیان ناحیه میان در بند فراری شده و در بیست و نه سال قبل درسن پنجاه و دو سالگی فوت کرده است و از وی يك پسر بنام افشار خان مانده است که فعلاً پنجاه سال دارد در دههای اطراف خاتقین زندگانی میکند و پسرش عیاش نام دارد .

اسمعیل خان: ساکن قواق تپه مردی شجاع بوده است در سال ۱۳۱۲ قمری هجری درسن پنجاه سالگی فوت کرده است و دو پسر بنام محمود خان و فتاح خان داشته است .

محمود خان در سال ۱۳۱۷ قمری هجری در سن چهل و هشت سالگی فوت کرده و پسری بنام علیخان داشته است که در جوانی فراری گردیده است . فتاح خان در سال ۱۳۳۶ قمری هجری در سن شصت سالگی فوت کرده و دو پسر بنام عبدالله خان و جعفرقلی خان داشته است . سن عبدالله خان درحدود شصت سال و سن جعفر قلی خان درحدود هفتاد سال میباشد .

کرم خان بر خوردار و پسران او

کرم خان دو پسر داشته است شاهمراد خان و درویش خان .

شاهمراد خان: ساکن نیلاوره درسال ۱۳۱۷ قمری هجری درسن پنجاه و دو سالگی فوت کرده و اولاد ذکوری از او نمانده .

درویش خان: در سال ۱۳۱۹ قمری هجری در سن پنجاه و چهار سالگی فوت کرده و دارای دو پسر بنام فتاح خان و حاتم خان بوده است.

فتاح خان ساکن قریه میر عزیز در سال ۱۳۴۱ قمری هجری در سن شصت سالگی فوت کرده و پسری بنام مجید داشته است که در سن پانزده سالگی در قصر شیرین فوت کرده است.

حاتم خان در سال ۱۳۳۷ قمری هجری در سن چهل سالگی فوت کرده و اولاد ذکوری نداشته است.

حیدر خان برخوردار و پسران او

حیدر خان پسر برخوردار در سال ۱۳۰۶ قمری هجری در سن شصت سالگی فوت کرده و دارای چهار پسر بوده است بنام علیمراد خان، تقی خان، پاشا خان و الله مراد خان و درویش خان.

علیمراد خان: ساکن قریه کوزران در سال ۱۳۴۵ قمری هجری در سن شصت سالگی فوت کرده و پسرانی بنام حسینقلی خان و رضا قلیخان و اللهی خان داشته است حسینقلی خان در سال ۱۳۵۵ قمری هجری در سن پنجاه و پنج سالگی فوت کرده و دارای دو پسر بنام عباسقلی خان و موسی خان بوده است. عباسقلی خان در سال ۱۳۲۴ شمسی در سن پنجاه و پنج سالگی فوت کرده و چهار پسر بنام اسماعیل و کریم و احمد و محمد از او بجا مانده است.

رضا قلیخان در سال ۱۳۴۵ قمری هجری در سن پنجاه و پنج سالگی فوت کرده و پسری بنام حیات قلی داشته که در زمان حیات وی فوت کرده است.

اللهی خان در سال ۱۳۴۲ قمری هجری در سن پنجاه سالگی فوت کرده و دو پسر بنام عبدالله خان و نامداران خان از او مانده است، عبدالله خان فعلاً چهل و سه ساله است و پسری بنام سیف‌الله دارد و نامدار خان در حدود چهل سال دارد و دو پسر بنام فیض الله و پاشا از او باقیست.

قهی خان ساکن کوزران در سال ۱۳۰۶ قمری هجری در سن پنجاه و شش سالگی فوت کرده و بك پسر بنام نادرقلی داشته است نادرقلی در سال ۱۳۱۴ شمسی در سن پنجاه سالگی فوت کرده و دو پسر بنام ابراهیم خان و منصور خان داشته است ابراهیم خان ساکن کوزران فعلاً سی سال دارد و دارای پسری است بنام بهمن که مادر وی پسر اسدالله خان سالار مکرّم است . منصور خان فعلاً بیست سال دارد .

پاشا خان ساکن کوزران در سال ۱۳۳۶ قمری در پنجاه سالگی فوت کرده و دو پسر بنام کرم خان و (؟) داشته است که هر دو در حیات وی فوت کرده اند .

الله مراد خان : ساکن کوزران در سال ۱۳۲۶ قمری هجری در سن چهل و پنج سالگی فوت کرده است و دو پسر بنام فیض الله خان و شهباز خان داشته است . فیض الله خان در سال ۱۳۲۸ قمری در سن سی و پنج سالگی فوت کرده و بلا عقب بوده است . شهباز خان نیز در سال ۱۳۲۲ قمری در سن سی و پنج سالگی فوت کرده و بلا عقب بوده است .

درویش خان : در سال ۱۳۲۲ قمری در سن پنجاه سالگی فوت کرده و در میر عزیز و نیلاوره مالک بوده است و دارای پسری بنام محمود خان بوده است که در سن چهل و پنج سالگی در سال ۱۳۵۹ قمری فوت کرده و بلا عقب مانده است .

همه خان برخوردار و پسران او

همه خان در سال ۱۳۰۳ قمری در سن هفتاد سالگی فوت کرده و دارای پسری بنام مامه خان بوده است مله همه خان (یعنی گردنه همه خان) که محلیست در سنجایی منسوب بوی میباشد .

مامه خان در سال ۱۳۱۶ قمری در سن پنجاه و پنج سالگی مرده و پسری بنام حاج علیخان داشته است که در سال ۱۳۴۶ قمری در سن شصت سالگی فوت کرده است حاج علیخان ابتداء ساکن قریه کوزران بوده سپس متواری گردیده و بقصر شیرین در

میان قلخانیهها رفته است وی دارای پنج پسر بنام فتاح و عزیز و هبلس و شفیع و مهدیخان بوده است که فعلاً همه خارج از سنجایی هستند فتاح چهل سال دارد و دو پسر بنام عطا و میرزا دارد عزیز سی سال سن دارد و پسری بنام پرویز دارد شفیع سی و سه ساله و مهدیخان بیست ساله است .

رستم خان بن برخوردار و پسر از، او



رستم خان ساکن
کیبود خانی و چلبی در
سال ۱۳۱۵ قمری در
سن هفتاد سالگی
فوت کرده و پسری
بنام داراب خان داشته
است .

داراب خان :ملکی
نداشته و ائله در
کیبود خانی مستاجر
بوده است از لحاظ
ایلی مردی زرنگ و
بر سرکار بوده است
وی در سال ۱۳۴۶
قمری در سن شصت
سالگی فوت کرده و
پسری بنام شیرزادخان

یکی از زنان سنجایی
داشته که در سال ۱۳۴۸ در سن چهل و پنج سالگی فوت کرده و پسری از وی بنام
میرزا خان بجای مانده است که فعلاً ۲۲ سال دوازده